چکیده
مؤلف مقاله در صدد ارائه مبانی معرفت شناختی تولید علم دینی است؛ ایشان این مدعا را با ارائه اکثری خاص در معرفت شناختی علم تحت عنوان «نظریه واقع گرایی دینی» که متشکل از دو فرآیند «طویل ـ عمودی» و «عرضی ـ افقی»، و میانی بر هشت اصل است. سانان می‌دهد: محقق محتوم در پایان نوشته، کارکردهای عقل در تولید علم دینی را به تفصیل بررسی می‌شود. مجله ذهن و مؤلف محترم از نقد و نظر پیروان مدعیان این مقاله استقبال می‌کند.
واژگان کلیدی: علم دینی، معرفت شناختی، واقع گرایی دینی، فرآیند تکمیل معرفت، معرفت دینی، کارکردهای عقل.

5 استاد فلسفه، مدرس خارج فقه و اصول حوزه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
تاریخ تایید: ۱۸/۱۱/۹۲
تاریخ دریافت: ۲۲/۶/۹۲
درآمد
عنوان «مبانی معرفت‌شناسی تولید علم دینی» با نگاه «پیشینه» و تأسسی به روش تولید علم دینی، به انگیزه روش گذاری برای فهم بهتری از آورده‌های دین، در زمروی مباحث «مکتبد» تولید علم دینی، اما کاربرد این عنوان با نگاه پیشین به دین و منطق آن، از مسائل فلسفی دین (البته در زمروی شاخه‌ای فلسفه‌ای علم دینی آن) به شمار می‌روید، و در صورتی که مراکز روح‌شناختی معرفت دین در نگاه «پیشینه» باشد از مباحث «نظریه‌های تکون و تحول معرفت دینی» (معرفت دینی به معنای گسترده‌ای آن که شامل معرفت علمی دینی نیز می‌گردد) که از قصه اصلی فلسفه‌ای معرفت دینی است، محصول می‌شود.
رویکرد ما در این مقاله، نگاه «پیشینه» و تأسسی به روش تولید علم دینی است: از این رو این عنوان را باید در چهارچوب مطلق فهم دین، اما ناپایه‌ای به تولید علم دینی ملحوظ داشت. در این صورت، مباحث «مبانی معرفت‌شناسی تولید علم دینی» جزء مباحث منابع علم دینی قرار می‌گیرد. مباحث مصدار منابع علم دینی نیز در زمروی مباحث مبدأ «معرفت‌شناسی تولید علم دینی» می‌گنجد. بر اساس نظریه‌ای ابتدایی (برای اطلاعات بیشتر در مختص «نظریه‌ای ابتدایی» رک: رشادت، ۱۳۸۹، «مبدأ معرفت‌شناسی»، یکی از مبانی خصوصی دین و تکون معرفت دینی است.

یکی از حضورات گفته است: کسی که از تولید علم دینی یا علوم انسانی اسلامی سخن می‌راند، در صدی مقبله با علم عقلانی و جایگزینی علم نقی ( نفس‌سرد و نفس‌محور) به جای آن‌اندازه (رک: سروش، به نشانی: by_drsooroush/p-nws-13890712-razvanazoloomensani.html) این بند نیز همان زمان در جایی به تفصیل باشی این تلقی نااصوای و اقلام مغرضانه را دادم؛ مقال حاضر نیز می‌تواند مکمل پاسخ به این تلفی نادرست و الناقص عناصر تولید علم دینی گردد.

۱. مبانی معرفت‌شناسی تولید علم دینی
نگره‌ی مد در زمینه‌ی «مبانی معرفت‌شناسی تولید علم دینی» مبنی بر انگاره‌ی معرفت‌شناسی ای است که از آن به «نظریه‌ی معرفت‌شناسی واقع گرای دینی» تعریف می‌کنیم.
ابن نظريه بر مقدمات و مقدمات جندي استوا است از این روش شایسته است قبل از بحث از مدعای مقال و برای روش مشود جایگاه عمل در سامانه می توان يعرف پشتری، به این
مقدمات و مقدمات اشعار کنی؛ این مقدمات و مقدمات را در قالب اصول و مبادی ژیر

عملیات تیبی کرد:

اصول یکم) «معرفت» به منابع یک پدیده، با اضلاع و عناصر شکنگانه زیبر در پیوند است:

1. فعال معرفت (شناختیبخش);
2. وسائط معرفت (شناختیافارها);
3. مبادی معرفت (شناختیبارها);
4. مواضع معرفت (شناختیشکنها);
5. قاب معرفت (شناختگر).

6. متعلق معرفت (شناخته: بالاده و بالعرض).

اصول دوم) می توان معرفت، برایند دو فرایند «طولی - عمودی» و «عرضی - افقی» او است
که در عرصه اطراف شگاهانی پیشگیری صورت می بند. فرایند «طولی - عمودی» می توان
قرار گرفت، از نكاتی روبی، آگاه و با طی فرایندهای خاص و مناسب هر یک از وسائط، به
ساحت انسانی متنی می شود؛ فرایند «عرضی - افقی» نیز در ساحت بشری که نشتهای
مادیست و در بستر تعامل میان اضلاع و عناصر فرایند عرضی تکرار معرفت (عناصر سوم,
چهارم، پنجم و ششم) صورت می بند.

فرایند «طولی - عمودی» نزول و تکرار معرفت، به شرح اصول و بندهای زیر قابل تبیین

است:

اصول سوم) حق تعالی، مبدأ و فاعل حقیقی معرفت است، همه آگاهی ها (به منابع
پیام های بازی و روبی به عباس) از سه حضرت باری و رسالتی سرچشمه می گیرد و
به ساحت بشری نزول می کند؛ چنان چه که به نکاتی روبی، آگاه و با طی فرایندهای
فعلی ها و چنان که یلغی یا پیشبینی (انگل: 104) به تعبیر دیگر: عالم در محضر خدا حاضر است
و کسب معرفت، نوعی حضور در محضر الهه است.
اصول شهرم ترابش معرفتی عبد و رب و حضور در حضورت الهی، از رهگذر دوال و دلالی گوناگون (به معنی پیام‌فرازهای معرفت به حقيقة) صورت می‌شود؛ به تعبیر دیگر: خداوند تنها از یک دریچه با انسان تماس نمی‌گیرد و انسان نیز تنها از یک طریق به حضرت الهی راه نمی‌یابد؛ به تعبیر سوم: معرفت تأم هرگز تکمیل نمی‌شود (و به تعبیر رایج: تکمیل نیست و معرفت کامل و جامع به همهی حقائق (برای انسان‌های عادی) تنها از رهگذر بهره‌مندی از همهی مجازی و متان ممکن است.

اصول پنجم) هرچند افاضه‌ی معرفت از بیرون وجود انسان (که قابل شناسایی) صورت می‌گیرد، اما برخی از مجازی درون و دلالی درون خیز (انفسی) اند، به عنوان مفروض آنها در درون وجود آدمی تعیین شده است؛ مانند «فطرت» و «عقل» برخی دیگر پرونی (افاقی) اند، يعني پیام‌فارزار آنها خارج از وجود قابل معرفت قرار دارد؛ مانند «وحی رسالی»، «وحی نبی»، «ستن قولی و فعلی» و «شهویه».

نمودار منشورواره‌ی هرم معرفت

اصول ششم) توزیع معرفت از «سهٔ روبی» به «ساحت بشری» از رهگذر شرکت یک از مجازی معرفت، با طی فرازند و طور افاضی مناسب همان مجازا (پیام‌فارزار) انجام می‌گیرد. طریق فطرت، به طور «ارشاد ووجودی» از سوی باری (راه‌پیمای برآمده از نحوی وجود انسان‌ها)
در قلب ادراکات (بنیان‌ها و دانش‌های) فطري و احساسات و افعال (گرايش‌ها و کش‌ها) فطري در وجود آدمي بروز مي‌كند و حاصل آن مي‌تواند در صورت «احتكام فطري» توان
بينا كند.

طريق عقل، به‌طور «الهام عقلاني» (با استخراج قولی خرد‌آدمي) از سوى واجب تعالى، در قلب ادراکات و احساسات عقلی در آدم‌يان ظهور مي‌كند، و حاصل آن در صورت «احتكام عقلی» (فلسفی عقل گرا) سامان مي‌باید.

طريق اشراق، به‌طور «انهاد باطني» از سوى حق تعالي در قلب انسان‌های مستعد و در قلب واردات قبیله متجلى مي‌شود؛ «احتكام ذوقی» (عفران نظری) صورت تدوین یافته‌ی آن است.

طريق وحی نيز به‌طور «ابهاء» از سوى مبداً تعالى به‌کيي از صور سگانه مطرح شده گرچه در قرآن (و ما كان تبشير أن تكلمته الله إلا وحياً أو عفواً أو ورداً حجاب أو لبستيل رسلولاً لبسوجي) بإثني ما يشأ إله عملي حكمی (شوريه: 51) (براي اطلاع بيشتر رک: معرفت، ص ۱۳۸۶، ص ۹۴۹۲۰۶). به رسول صاحب شريعت افاضه مي‌گردد و حاصل آن، بخش اصلي «احتكام نطقی» را تشکیل مي‌دهد.

کما اينكه مراتب تاريخه از وحي نيز به‌طور «ابهاء» از جانب خداوند به رسول يا نبي یا
ولی معصوم افاضه مي‌شود و در قلب «ستون فوقی» و «ستون فقیری» در دسترس انسان‌ها
قرار مي‌گردد، و حاصل واصل آن نيز بخش ديرگي از حکمت نطقی را سامان مي‌بخشد.

فرآیندهای مجاحي معرفت

<table>
<thead>
<tr>
<th>برآبند/</th>
<th>دستگاه حکمي</th>
<th>صورت مفاهيم</th>
<th>مهیه</th>
<th>طور افاضي</th>
<th>مجاحي معرفتي</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>ادراکات، احساسات و افعال فطري</td>
<td>حکمت فطري</td>
<td>ارشاد ووجود</td>
<td>وجود آدمي</td>
<td>طريق نطقی</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>حکمت عقیلی</td>
<td>ادراکات و احساسات عقیلی</td>
<td>عقل انسان‌ها</td>
<td>ارشاد عقیلی</td>
<td>طريق عقیلی</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>----------------</td>
<td>----------------------</td>
<td>-------------</td>
<td>--------------</td>
<td>------------</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>حکمت ذوقی</td>
<td>معنا شهودی</td>
<td>قلب انسان‌ها</td>
<td>اشتهار باطنی</td>
<td>طريق شهودی</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>حکمت نقیی</td>
<td>کلام وحیانی</td>
<td>رسول صاحب شریعت</td>
<td>ایجاد</td>
<td>طريق وحیانی</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>حکمت نقیی</td>
<td>ست معضوم</td>
<td>رسول/نبی</td>
<td>بنی معصوم</td>
<td>طريق وحیانی</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

چنان‌که ملاحظه می‌شود همه‌ی مجازی، از مراحل و فراورده‌ی معاشرتی کمایی شناختی می‌باشد.
برخورداری از مفاهیم طولانی افاضلی معرفت از سه‌گان، دو طرف افزایش می‌یابد و حکم است. 

اصل هدف آن گاه که سبب فراورده طولانی افاضلی معرفت از سه‌گان روبی که سایر افراد با ساخته‌ی 
که نسلی معناد است، - می‌رسد، قهرآ با عوامل عرشه دخیل در تکن معرفت سر و کار 
پیدا می‌کند. تعامل اطراف عرشه، فراورده افاضلی معرفت را تشکیل می‌دهد و برای 
دستیابی به آگاهی قدسی که معرفت صاحب است، یک طرف عوامل به درستی مدیریت شوند؛ 
و عوامل معرفت حیاتی و حق عقیده‌ی اسان منفی می‌باشد.
در هر حال به انتقال محدود و مشروط‌بند وجود اسان، همه‌ی دانش‌های وی ازجمله 
معرفت‌های محدود و مشروط است (البته توجه داریم که محدود و مشروط‌بند ملازم با 
خطابند نیست)

انگک توضیح فراورده عضوی افاضلی:
فراورده عضوی افاضلی تکن معرفت در ساخت انسانی در زمان تعامل اضلاع اریگی:
شناختگر (قابل معرفت)، شناخته (متصل معرفت) و برآورده‌ی که خود به دو دستی‌ی 
شناخت‌های معلمان‌ه دی‌که تجربه و مشاهده نیز در زمره آن‌هاست و شناخت‌های 
(مواقع) تحقق می‌شوند، تحقیق پیدا می‌کند. مجموعه‌ی اضلاع فراورده افاضلی ساخت

10

‌و‌همین
معرفت: را می‌توان به صورت زیر نمودار کرد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>نمودار سازمانی سه خدمات سازوار ساخت معرفت</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1. پاسخ‌های (توضیحات، نظرات)</td>
</tr>
<tr>
<td>2. پاسخ‌های (توضیحات، نظرات)</td>
</tr>
<tr>
<td>3. پاسخ‌های (توضیحات، نظرات)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

فرایند "عرضی - ساقی" را به شرح می‌توان نوشت:

1. افزون بر حاصلات ذاتی نوعی موثر بر سطح و سوئی معرفت آدمی (به‌منظور رکن قابل معرفت)، انسان‌ها طرفیت و وضعیت واکنش‌های ندارند. بلهک هرگام از ادعا انسانی دارای خصائص شخصی و اجتماعی غناگونی هستند و این خصائص کمکشانی بر فرایند تکان معرفت آنان تاثیر می‌گذارند.

2. امروزی که متعلق معرفت قرار می‌گیرد نئی همگی دارای سرشت و صفات یکسانی نیستند؛ از این روش عناصر متعلق شناسا، در نوع و نحوه حیات معرفت، و شناخت‌بین‌پذیری و شناخت‌ناپذیری، دیرپایی و زودپایی، همی‌توانند به یک اندازه باشد.

3. افزون بر دو رکن شناختگر و شناخته که بازیگران اصلی و رکنی فرایند تکون معرفت
هستند (هر چند یکی فعال و دیگری مفعل)، ابراشناختها، نیز به تصویر انجامی و سلیب، در فراپید ساخت معرفت‌ها، نقش آفرین هستند؛ بنابراین، معرفت در فراپید تأثیر یک تعاون و دادوسند چند پژوهی اصلاح اربعه به علما و عناصر عرضی مؤثر در تکون شناخت‌سوزارت می‌بندد.

نکته: هرچند حس در زمینه معدات به شمار می‌روید، اما در فراپید عرضی یافته خاصه در قلمروی علوم مربوط به نشان مادی، کاربردهای حسی از جایگاهی خاصی در خوشنوردار است. از نظرخویی قرار، استفاده از حواس و بروزه مشاهده، حتا در حوزه معارف دیگری، از نوعی حجیت مخترودار است.

اصل هستم) با توجه به فرض‌های متنوعی که از ترتیب‌های محتمل و قابل تحقیق میان مؤلفه‌ها و عناصر هر یک از اصلاح اربعه فراپید عرضی معرفت، با دنبال‌پیش می‌آید، برای فراپید تاکنون معرفت می‌تواند یکی از وضعیت‌های چهارگانه زیر باشد:

الف) بیشتر از واقع: در ورطه انحراف از واقع افکن و نورهایان و وضعیت اولیه‌ای (جهل ساده) که شناختگی قبلاً در آن قرار داشت، زیرا وقتی به جای واقع، ناواقع (واقع) کاذب) بنشیند. آدمی با جهل ساده فصله گرفته، از واقع دورتر گشته، دچار «جهل پیچیده» خواهد شد.

ب) حجیت از واقع: قبلا بر جهل ساده نخستینه.

ج) قرب به واقع: حصول دریافت‌های نارس و ناپذیر از واقع (علم مجمال). در این صورت هرچند واقع، کم‌کم هزاراً انسان نیافته‌اش است، اما او به واقع نزویدنی شدن است.

د) تعریف به واقع: حصول معرفت صلب به واقع (علم مفصل).

نظریهٔ «مهرگی‌بانی واقع‌گرای دینی» پیش از این، حاجته‌مجد بحث و تبیین است.

آیات بسیاری مانند آیه عمران آیه ۱۳۷، انعام آیه‌های ۱۱ و ۶۷، عنبیسکوت آیه‌های ۲۰ و پونس آیه ۱۰۱ آشکارا از حجیت حس حکایت دارد.
تفصیل: بلهکه تکمیل این نظریه، دستکم توضیحاتی به شرح زیر را می‌طلبد:

1. تعریف کلمات و ترکیب‌های کلیدی به کار رفته در متن نظریه.
2. اقایمی از ابتدای عقلی و نقیض لازم و ارائه شواهد و املایی کافی برای محورها و
   مدعیات اصلی نظریه.
3. تبیین تعادل و تراویح مجازی معرفت با یکدیگر.
4. استفاده و استقامتی تفصیلی عنصر و اجزای هریک از اثبات سه یا چهارگانه‌ی فرایند
   افقت.
5. تشریح کارکردهای سلیبی و ایجادی هریک از اثبات فرایند افقت و عنصر مرتبط به هر
   یک از آنها، در فرایند معرفت.
6. تعبیه نسبت و مناسبات اضلاع و احیاً عنصر هرکدام (به ویژه برشاخات‌هایا) به
   یکدیگر.
7. تبیین انواع ترکیب‌های محتمل عوامل عرضی و وضعیت‌های چهارگانه‌ی معرفتی ممکن
    و متوقف (ببند، تحقیب، تقریب و تعرق).
8. بیان تفاوت این نظریه با نظریه‌های معرفت‌شناسی سنتی و معاصر، و دفع شابندی
    ناکارآمدی و نسبیت.
9. تبیین دستاوردهای نظریه، در باب هر یک از حوزه‌های چهارگانه‌هندسی معرفتی
    دین.
10. تبیین پیایودهای نظریه در حل معضلات معرفت‌شناسی معاصر.

تذکار 1: معرفت، در عنوان نظریه، به «محصل سعی و نیروی برای دست‌بایی به حقیقت»

اطلاق شده؛ به نظر راهم؛ این تقریب از معرفت‌شناسی می‌تواند در تولید علم دینی ـ خاصه

در حوزه‌ی علوم انسانی ـ مورد توجه و اعتماد افراد گردد، و در تولید علم دینی نیمی توان بر

معرفت‌شناسی میناگرا ابرام و ورزید؛ این از به معرفت‌شناسی میناگرا، که نظریه‌ی مختار

حکم‌ای اسلامی است، در قلمروی علوم حقیقت‌ی محض، محسن و ممکن است.

تذکار 2: اتصاف این نظریه به وصف «دینی»، نظر به فرایند طولی ـ عمومی، مطرح‌شده،
و انتصاف آن به وصف «واقع گرایی» نیز معمول بیه لوازم فراواند «عروضی – افقی» مذکور است.

تذکر ۳: آنچه تا اینجا مذکور افتاد، مقدمهٔ علم می‌بحث مبانی معرفت‌شناسی، از جمله کارایی و کارکردهای عقل در تولید علم دینی قلمداد می‌شود. مقدمه‌ی خاص بحث عبارت از این است که: عقل ادمی به جهت کمیت و نوع کارکردهای عقل از جایگاه و یکی از کشف نواحی و «کارکردهای چاپ‌گرین» ثابت شد. که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، نقض نیما وهم سواواری در تولید معرفت، معرفت دینی و از جمله علم دینی ابنا می‌کند.

نقش خطر دور در زمینه اثبات حجیت دیگر مدارک و مقدارک، و «احزاب مصاديق» دیگر مدارک و مقدارک و داده‌های هر یک از آنها، همچنین سهم عقل در مقام اجرای دستاوردهای علم دینی، از کارکردهای پیش‌بندی خرد آدمی قلمداد می‌شود، که در تفسیر ارائه شده از سوی بعضی از پژوهان معاصر (به‌رغم: معنی، «مصباح»، «معماره») مورد توصیح می‌باشد. درخور واقع نشده است (رک: جوادی، املی، ۱۳۷۸).

۲. نقش و سهم عقل در تولید علم و تحصیل معرفت

چون این مقاله به قصد تأکید خاص بر کارایی و کارکردهای عقل در تولید علم دینی و علی الخصوص علم در انسان‌سالان گرفته، در اینجا نهایتاً این کارکردها را مورد ارزیابی سپرده، در حذف می‌رسی راجع به هر یک از موارد، اندک توضیحی نیز ارائه می‌دهم:

۱. ساخت و گسترش در تولید فلسفه علم دینی: از آنها که فلسفه علم، معرفتی عقلانیست، عقل منبع اصلی قلمداد می‌شود و عمدتاً مباحث آن به مدد عقل تولید می‌شود. برای مثال حتی اثبات مبادا بی‌شبه و افکار‌سازی دقیق‌تری بعنی که خرابی‌های الله موجود و امادگی عقل است و عقل است که این قضیه را اثبات می‌کند یا نقل نمی‌توان چنین قضیه‌ای را اثبات کرد؛ زیرا مستلزم دور است. بنویسندن قضیه‌ای دستاوردهای سیاسی در همه‌ی جهان‌های معرفت و مسئله، از جمله عرصه‌ی تولید علم دینی می‌باشد.

تعجب مسالمت‌ها را بکار بردم، زیرا دیگر مجزای معرفت نیز در تولید مبانی علم دینی مشارکت دارند. اثبات موضوع علم دین مانند همه‌ی علوم در گروه کاربرد عقل و به
عهدی فلسفه است. چنان‌که از فهرست کارکردها برای آید، دو «عقل» سه‌تایی اصلی دیگر مبادی علم دینی است.

2. اکتشاف و اثبات حجت و اعتبار‌بخشی به دیگر مدارک و مدارک آگر کارکرد
عقل نمی‌یابد، به‌گونه‌ای برای اثبات حجت کتاب و سنن که از منابع اصلی علم
دبیاند و وجود نداشته، چنان‌که پیشتر اشاره شد: پاره‌ای از فضایایی که حجت کتاب و
سنن براسااخته بر آن‌هاست، دستاویز عقل اند.

3. «احترام مصداق» دیگر مدارک و مدارک معنی: جمله تواضع احترام مصابیو و
انواع اده به‌طور عمدی کار خرد است؛ مثلاً تشخیص این‌که آیا قیاس عقلی است یا نه؟
برعه‌ی عقلی پایان. هر چند با اده‌ی نقلی نیز می‌توان به رقح جریان قیاس در قلمروی
فهم دین بردایت.

4. مناعگر و گویندگی (ابراز) مدارک معنی دیگر: علاوه بر «البیات حجیت» و
«احترام مصابا»، استناد و «ابراز معاون» و نیز شیوه‌های کاریست مدارک نقلی از خدمات
معرقی مهی خرد است.

5. ستیهنگری و درستی آزمایی معرفت علمی: از جمله کارکردی‌های عقل آن است که
معرفت علمی بولیدسته را مورد ستیج قرار داده صواب از ناصوب و سر به ناسره را
پیام‌تناسیب‌مهزادن؛ این‌که آیا آن‌چه از کتاب فهمیده‌ایم، یا از ستیج دریافت‌امه، یا تصور می‌کنیم
مورد دلایل فطرت است، و نیز آن‌چه شهودش مانگ دارد، درست است؟ از کارکردی‌های
بنیادین و به‌سیره‌ی پرآهیست عقل است. خرید نسبت به عملکرد سایر منابع و معرفت
فرایشگ‌آمدان از سایر منابع و مدارک نقلی دارانه‌ی دارد.

6. مساهمت چشمگیر در آسیب شناسی فراهمه نولید علم دینی و فراهم نجات و
تکامل آن: آن‌گاه که درستی آزمایی نشد، عقل می‌تواند علی خطاها معرفتی را تشخیص
دهد؛ البته دیگر مدارک نیز در این زمینه کارآمداند، اما به‌چشمی در این تشخیص افزون‌تر
است.

7. آسیب‌زدایی و علی خطاها واقع شده در معرفت علمی: پس از آن‌گه صواب و
ناصداخ بازشناخت خد، رخته‌های فرایند تویاپید علم روشن گشت، در اندیشه‌های آنیم که چه کیمی که دوباره خطا رخ ندهد؟ طبیعی جیزان و عالج خطاها، از جمله بر عهده عقل است.

8 چاره‌جوی برای انواع تقابل‌های ممکن‌الوقوع با واقع‌شده: میان مدارک و مدرک‌ها، و مدال‌های تقابل‌های متصور یا متوافق است: حج و رفع تقابل‌ها، از جمله بر ذنمی خرد است. وقوع اختلاف میان متعاب حجت در «مقام ثبوت» ممکن نیست، و للی در مقام ایمان و نیز در «مقام اجرای آنچه از متعاب» و مجاری معرفت فراچنگ آمده، ممکن است تقابل اتفاق یافتد. امکان دارد پایه‌ای را از یک متعاب به دست باوریم و پاتنه دیگر را از معنی دیگر و این دو یافته با هم در تعارض باشد و مفروض می‌ایست که میان متعاب / مجاری حجت، تقابل واقع و ثبوت وجود ندارد. ولی در افق معرفت اکونون با دو معرفت موجه مواجهه: چگونگی رفع این تقابل کار عقل است. که اینکه در قب اجرای ایلی اگر دو قضیه دستوری سلیم و ایجلا یا دو دستور ایجلا یا دو دستور سلیم با هم در تراحم بیفتدند، عقل می‌تواند نقش مؤثری در حل این تقابل‌ها ایفا کند.

9 سهامت چشمگیر در قاعده‌سازی و ضابطه بردازی برای حل مسئله در علم: عقل نقش بی‌پدلی در مباحث منطق علوم، با روبکردهای مختلف، ایفا می‌کند؛ هم در درک فرایند تکون آنها، هم در درک فرایند حل مسئله در متن‌های یک از علم‌های در روش گذاری و روش گزینی برای تولید علم مطلوب و حل مطلوب مسئله علم. مرا به ما در این مرحله دو امر اخیر است:

1 گاه تصویر می‌شود مطلق روش‌شناسی‌های مربوط به هر علمی بر اساس گرایش جزو فلسفه‌ای ساخته است؛ اما چنین نیست! به تعبیر دیگر: ما انجام با پنج مسئله مواجهم:

1. تحلیل «فرایند محقق برای تکون» یک علم محقق.

2. تحلیل «فرایند محقق برای حل مسئله» در یک علم محقق، و «روش تکون» و تطور یک علم، با این بخش از «روش حل مسئله» در آن باشد.

3. تجویز «فرایند مطلوب برای تکون» یک علم مطلوب.
4. تجویز فرایند مطلوب برای حل مطلوب، مسئله در یک علم.

5. گزارش تاریخی: روش یا روش‌هایی که کار رفتگان برای حل مسئله در یک علم.

آن بخش از یک پژوهش که صورت هستند شناخت و معرفت شناختی بیپا می‌کند، و مطالعه سرشت و خصائص و وجود و معرفتی آن قلمداد می‌شود، جزو فلسفه‌ای آن به حساب می‌آید. بنابراین، مسئله اول و دوم از مسائل فلسفی علم است، مطلب سوم و چهارم از جنس مطلوب است و مطلب پنجم بر عهده‌ی تاریخ آن علم است. همچنین، فلسفه‌ای دین، غیر از فلسفه‌ی معرفت دینی است، و آن دو غیر از منطق فهم دین آن است. هر سه جز تاریخ دین و تاریخ معرفت دینی این مسئله اکنون یک منبع خلقت شده و همگی از مباحث فلسفی مضاف اکنونه می‌شنودند در حالی که فلسفه‌ای غیر از منطق و هر دو جز تاریخ‌اند.

آنچه اینجا می‌رود مسئله مطلب سوم و چهارم است؛ اینکه چگونه یک علم چگونه باید تولید شود؟ و اینکه در دون یک علم مسئله‌هایی آن چگونه باید حل شود؟ پس اینجا حداکثر به دو دسته قاعدتاً نیازمندی که عقل از عهدی تولید آنها بر می‌آید:

1. تولید معمول مبانی بدیع (فرایش اکنارها) و نیز عمده‌ی مبانی وسیله (پیش اکنارها) و همچنین مبانی قربیه (انگارنگار) که علم دینی باواسطه و بلاواسطه بر آنها مبنی است، بر عهده‌ی عقل است؛ مثلاً مبانی با مانند واقعندی چنان، امکان فهم و كشف حقائق عالم اپکان معرفت. روش مانندی کشف حقائق و مهم تر از همه، مبادام‌باروند هستی و توجه بندان بهند چنان که اصل اصول معرفت دینی است، همچنین اصل اصلی انسان اگرداری چنان موجود، که خود به افراد بر دو اصل تقصیم می‌شود (برای اطلاعات بیشتر، راهش، پاییز ۱۳۸۳ ص۱۳۶(۱۳۸۳ و همگی عقلاند).

2. مسأله چشمگیر در تولید انواع فضایی علمی از جمله کارکردهای خرد، تولید گزاره علمی اکناری و گزارشی، الزام و دستوری، و نیز هنرمندی و ارزش‌یابی انیمه‌هایی که خود از کارکردهایی الینه می‌شوند، تولید در مقاله‌های مبانی، منطق و فضایی در علم دینی است. عقل در مقاله‌های دستاوردانه علم دینی نیز از کارایی در خور توجهی

6
نتیجه‌گیری

1. "معرفت" به معنی یک پدیده با اضلاع و عناصر شناختی زیر در پیوند است:

- یک فعال معرفت (شناخت‌بخش);
- دو) و وسان معرفت (شناخت‌افزارها);
- سه) معتقدات معرفت (شناخت‌پاره);
- چهار) مواضع معرفت (شناخت‌شکنی)؛
- پنجم) قال معرفت (شناختگر);
- ششم) متعلق معرفت (شناخته).

2. تاکن معرفت، برایند دو فرایند "طلیعی-عمودی" و "عوامی ـ افاقتی"ی ایست که در عرصه آفتاب‌نشانی بالا صورت می‌بندد.

3. فرایند "طلیعی-عمودی" تاکن معرفت، از "سهم روبه" آغاز و با طی فرایند خاص و مناسب هر یک از وسایل به "ساخت انسان" متغییر می‌شود.

4. فرایند "عوامی ـ افاقتی" نیز در ساختمان درست تعریف می‌شود و عناصر این فرایند ساخت می‌باشد.

5. برای دستیابی به آگاهی قدیمی که معرفت صائب است، باید عوامل دخیل در تاکن معرفت به درستی مدیریت شوند.

6. تولید علم دینی نیز از فرایند و سازگاری‌های مذکور در تبیین نظریه معرفت شناسی واقع گرای دینی تبعیت می‌کند.

7. عقل در تولید "مبانی"، "منظور" و "فیلمنامه" علم دینی، و نیز در مقام اجرای دستاوردهای علم دینی دارای کارکردهای مهم و گاهی بدلیل برخوردار است.

منابع و مأخذ

1. فرهنگ تخصصی. تبریز: فرهنگیه، ۱۳۸۳.
2. جوادی، نفر. تبریز: ۱۳۸۳.
3. فرهنگ تخصصی. تبریز: ۱۳۸۳.
2. رشاد، علی‌کیا. نظریه ای انتخاب، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌های اسلامی، 1389.

3. فرجام قدسی تاریخ، نیبیت، تهران، 1389، صص. 32-33.

4. مهاباشی، عبدالکریم، راز و ناز علوم انسانی، به نشریه:
http://www.drsoroush.com/persian/by_drsoroush/p-nws-13890712-razvanazoloomensani

5. معرفت، محمد‌شاهی، تعمید در علوم القرآن، تصویر مناسبتی فرهنگی تجهیز، 1386.